

باسمه تعالی

- مقدمه واجب** ۱
- اقوال مقدمه واجب** ۱
- وجه دوم مرحوم صاحب فصول: جواز تصریح آمر به عدم اراده مقدمه غیر موصله ۱
- اشکال مرحوم آخوند: عدم جواز تصریح آمر به عدم اراده مقدمه غیر موصله ۲
- تفاوت واقعی داشتن مقدمه موصله و غیر موصله ۳
- وجه سوم مرحوم صاحب فصول: ایصال به ذی المقدمه، غرض از ایجاب مقدمه ۳
- تمکن خاص، غرض ادنی از ایجاب مقدمه ۳
- وجه چهارم مرحوم صاحب فصول: حکم وجدان به وجوب مقدمه موصله ۴
- اشکال مرحوم آخوند: تالی فاسد داشتن وجوب مقدمه موصله ۴
- تالی فاسد نداشتن وجه چهارم صاحب فصول ۵
- بررسی قول مرحوم سید یزدی (قول به وجوب مقدمه موصله) ۵

موضوع: بررسی قول صاحب فصول / اقوال وجوب مقدمه واجب / مقدمه واجب

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در مورد ادعای مرحوم صاحب فصول بود. ایشان قائل به وجوب مقدمه موصله شده است. برای این ادعا، وجوهی را اقامه کرده است. بحث منتهی به دلیل دوم ایشان شد. در این جلسه به بیان وجوه دیگر مرحوم صاحب فصول و نقد مرحوم آخوند به ایشان، پرداخته می شود.

مقدمه واجب

اقوال مقدمه واجب

وجه دوم مرحوم صاحب فصول: جواز تصریح آمر به عدم اراده مقدمه غیر موصله

وجه دوم مرحوم صاحب فصول این بود که آمر به ذی المقدمه می تواند تصریح کند به این که مقدمه غیر موصله را اراده ندارم، در حالی که نمی تواند تصریح کند به این که مقدمه موصله را اراده ندارم. چنانچه آمر نمی تواند تصریح کند به این که مطلق

مقدمه را اراده ندارم. پس به خاطر این که نمی‌تواند این دو قسم را تصریح به عدم اراده کند و آن یک قسم را می‌تواند تصریح به عدم اراده کند، کشف می‌شود که مقدمه موصله واجب است.

اشکال مرحوم آخوند: عدم جواز تصریح آمر به عدم اراده مقدمه غیر موصله

مرحوم آخوند فرمود: اگر مولا بگوید مقدمه غیر موصل را نمی‌خواهم، جزاف است؛ زیرا مقدمه غیر موصل نیز ملاک را دارد. چون غرض از مقدمه ایجاد تمکن از امتثال ذی المقدمه است. پس وقتی مقدمه مکلف را متمکن از صعود علی السطح می‌کند معنا ندارد که بگوید من مقدمه غیر موصل را نمی‌خواهم. ملاک مقدمه، نکته توقف است و این ملاک چون در غیر موصل هم وجود دارد، نمی‌تواند بگوید مقدمه غیر موصل را اراده ندارم.

بعد مرحوم آخوند با یک مشکلی مواجه می‌شود که آمر می‌تواند در جایی که ذی المقدمه محقق نشده است و مقدمه، موصله نشده است، بالوجدان بگوید که اصلاً مطلوب من محقق نشده است. (چه مطلوب غیری و چه نفسی) و از این مطلب کشف می‌شود که مقدمه موصله واجب است؛ چون اگر مقدمه موصله واجب نبود و مطلق مقدمه واجب بود، نمی‌توانست بگوید اصلاً مطلوب من محقق نشده است؛ بلکه مطلوب غیری او محقق شده است.

در جواب این اشکال، مرحوم آخوند می‌فرماید: این مطلب درست است؛ ولی این که در فرض عدم تحقق ذی المقدمه می‌تواند بگوید مطلوب من اصلاً محقق نشده است، نکته‌اش این است که مطلوبیت مقدمه، غیری است و به خاطر ذی المقدمه است و چون ذی المقدمه محقق نشده است، پس کانّ اصلاً مقدمه هم اتیان نشده است. شاهد این مطلب این است که وقتی عبد به بازار می‌رود؛ ولی خریدن گوشت نمی‌خرد، مولا می‌گوید: هر چند که به بازار رفتی؛ ولی فایده‌ای نداشت؛ چون ذی المقدمه محقق نشده است.

ان قلت: این که آمر می‌تواند بگوید مطلوب من اصلاً محقق نشده است، شاید وجهش این باشد که مقدمه موصله واجب باشد و دخیل در مطلوب آمر باشد؛ لذا احتمال این که موصله بودن دخیل باشد، وجود دارد.

قلت: موصله بودن فارق نیست و هیچ اثری در اختلاف حقیقت مقدمه در ناحیه مطلوبیت ندارد. مرحوم آخوند ادعا می‌کند که موصله بودن موجب فرق مقدمه از جهت موصله بودن و غیر آن نمی‌شود؛ زیرا موصله بودن یک عنوان انتزاعی است که از ترتب ذی المقدمه بر مقدمه انتزاع می‌شود و این عنوان که به لحاظ ترتب ذی المقدمه است، در واقع و حقیقت مقدمه بودن،

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۱۷.

دخیل نیست. واقع مقدمه مثلاً همان نصب سلم است، حال اگر عبد صعود علی السطح داشته باشد یا نداشته باشد، واقعیت نصب سلم را تغییر نمی‌دهد. پس ما قبول داریم که موصله بودن مقدمه و موصله نبودن آن، متفاوت است؛ ولی فارق نیست.

تفاوت واقعی داشتن مقدمه موصله و غیر موصله

مرحوم اصفهانی فرموده است: موصلیت یک صفتی برای مقدمه است و این گونه نیست که تاثیر واقعی در مقدمه نداشته باشد و مجرد عنوان انتزاعی باشد؛ بلکه یک صفتی برای مقدمه است و یک فرق واقعی بین مقدمه موصله و غیر موصله وجود دارد. مقدمه موصله، مقدمه‌ای است که مقدمیت آن فعلیت پیدا کرده است؛ اما مقدمیت مقدمه غیر موصله به فعلیت نرسیده است و تنها صلاحیت دارد که در طریق مقدمیت قرار بگیرد. ممکن است قائلین به وجوب مقدمه موصله ادعا کنند که موصله بودن یک امر انتزاعی نیست؛ بلکه یک واقعیتی است و مقدمه‌ای که موصله شده است و در طریق ایجاد قرار گرفته است، یک واقعیت است و مقدمه‌ای که در طریق ایجاد قرار نگرفته است، صرفاً صلاحیت دارد و فعلیت و حقیقت هستند. مثلاً نصب سلمی که در طریق صعود علی السطح قرار گرفته است واقعاً با نصب سلمی که در طریق واقع نشده است، متفاوت است؛ لذا جواب مرحوم آخوند صحیح نیست.

نسبت به ادعای مرحوم آخوند باید گفته شود: انصاف این است که ایصال، تاثیری در مقدمیت دارد و این گونه نیست که ایصال هیچ تاثیری در مقدمیت نداشته باشد؛ پس در این قسمت حق با مرحوم اصفهانی است؛ اما اصل ادعای مرحوم آخوند صحیح است؛ یعنی موصله بودن تاثیری در مطلوبیت ندارد و ملاک صرف توقف است.

وجه سوم مرحوم صاحب فصول: ایصال به ذی المقدمه، غرض از ایجاب مقدمه

مرحوم صاحب فصول می‌فرماید: غرض از مقدمه، ایصال به ذی المقدمه است؛ پس داعی به ایجاد مقدمه هم توصل به ذی المقدمه است و وقتی که داعی بر ایجاب توصل شد، واجب ما مقدمه موصله است و مقدمه غیر موصله خالی از غرض است.

جواب مرحوم آخوند: تفکیک بین غرض ادنی و اقصى

مرحوم آخوند فرموده است: غرض ادنی از اراده مقدمه توصل نیست، هر چند که غرض اقصى توصل به ذی المقدمه است. در غرض ادنی جهت موقوفیت ذی المقدمه بر مقدمه لحاظ شده است. غرض ادنی از مقدمه، تمکن از اتیان ذی المقدمه است و در

۱. نه‌ایه الدرایه فی شرح الکفایه، محمد حسین اصفهانی، ج ۲، ص ۱۴۳.

۲. الفصول الغرویة فی الأصول الفقہیة، محمد حسین الأصفهانی، ج ۱، ص ۸۶.

صورت نصب سلم تمکن خاص مترتب شده است؛ پس تمکن خاص داعی بر ایجاب است و این تمکن خاص در مطلق مقدمه وجود دارد و وجوب به مطلق مقدمه تعلق گرفته است.

همه‌ی این مطالب به وجه اول مرحوم آخوند رجوع می‌کند. ایشان ادعا دارد که غرض از اراده مقدمه، تمکن خاص است. شاهد این مطلب این است که اگر مکلف مقدمه را اتیان کرد، در ارتکاز این است که امر و اراده مولا ساقط شده است و حالت انتظار نسبت به ایصال به ذی القدمه وجود ندارد. این که بگوییم داعویت امر ساقط است یا سقوط امر معلق به ایصال به ذی المقدمه به نحو شرط متاخر است، خلاف ارتکاز است.

وجه چهارم مرحوم صاحب فصول: حکم وجدان به وجوب مقدمه موصله

صاحب فصول فرموده است: وجدان حکم می‌کند که اگر انسان چیزی را برای غایتی اراده کرد، وقتی آن شیء مطلوب می‌شود که غایت حاصل شود. غایت در محل کلام ذی المقدمه است؛ لذا آن چیز، وقتی مطلوب است که غایت که همان ذی المقدمه است، حاصل بشود.

اشکال مرحوم آخوند: تالی فاسد داشتن وجوب مقدمه موصله

مرحوم آخوند می‌فرماید: اولاً به نظر ما غایت، تمکن خاص است نه توصل. ثانیاً: ما قبول داریم که وقتی انسان چیزی را برای غایتی اراده کرد، وقتی آن شیء مطلوب می‌شود که غایت حاصل بشود، اما غایت همان تمکن خاص است و قبول نداریم که مطلوبیت در صورت حصول غایت باشد. ممکن است غایت محقق نشود و آن شیء محقق بشود و مطلوبیت نسبت به آن شیء نیز محقق شده باشد. مثلاً غایت شراء لحم است و اراده دخول سوق شده است، وقتی که مکلف داخل سوق می‌شود، مراد و مطلوبیت از دخول سوق حاصل شده است هر چند که غایت هنوز حاصل نشده است.

اساساً اگر مطلوب و مراد هنوز حاصل نشده باشد، پس باید مراد، مقید به تحقق غایت باشد که در این صورت غایت قید واجب غیری می‌شود و در این صورت ذی المقدمه باید امر غیری داشته باشد و این حرف گفتنی نیست. مثلاً صعود علی السطح باید دو وجوب داشته باشد، یک وجوب نفسی و یک وجوب غیری داشته باشد و اجتماع دو وجوب یا اشکال استحاله اجتماع مثلین را دارد و به نظر ما خلاف وجدان است.

۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۲۰.

دفاع استاد از کلام صاحب فصولتالی فاسد نداشتن وجه چهارم

مرحوم آخوند فرمود: اگر ادعای مرحوم صاحب فصول را بپذیریم، لازمه‌اش این است که ذی المقدمه دو وجوب داشته باشد، این مطلب صحیح نیست؛ زیرا ممکن است قائل بگوید: وقتی مولا همان اول ذی المقدمه را به اراده نفسی واجب کرده است، دیگر مولا نسبت به آن اراده غیری ندارد؛ پس ممکن است ذی المقدمه، مقدمه باشد؛ اما وجوب غیری نداشته باشد. وجدان ما بین واجب نفسی و غیری تلازم می‌بیند؛ ولی بین واجب غیری و واجب نفسی تلازمی نمی‌بیند.

بررسی قول مرحوم سید یزدی (قول به وجوب مقدمه موصله)

مرحوم سید یزدی ظاهراً قائل به وجوب مقدمه موصله است و ادعا فرموده است: مولا می‌تواند از مقدمه غیر موصله نهی کند و از مقدمه موصله نهی نمی‌تواند نهی کند؛ لذا کشف می‌شود که مقدمه موصله وجوب دارد. (فرق بین ادعای مرحوم صاحب فصول و مرحوم سید یزدی این است که مرحوم صاحب فصول می‌فرمود: مولا می‌تواند بگوید من اراده مقدمه غیر موصله را ندارم و بحث اراده را مطرح کرده است؛ ولی مرحوم سید یزدی بحث نهی و حرمت را مطرح کرده است) ادامه این بحث جلسه آینده.